

تبیین دیدگاه امام خمینی در مسئله اختلاف هلال ذی الحجة در موسم حج

محمد محسن حیدری*

چکیده

مسئله اختلاف در هلال ذی الحجة یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در حج است و همواره این پرسش مطرح است که حکم تکلیفی و وضعی وقوف در عرفات با اهل سنت و سایر مناسک چیست؟ از دیدگاه امام خمینی، در شرائط تقیه، انجام مناسک حج با اهل سنت واجب بوده و چه در فرض شک در ثبوت هلال یا علم به عدم ثبوت هلال، مناسک انجام شده مجزی است؛ بلکه عدم همراهی با اهل سنت و صحت وقوف در روز عرفه حقیقی محل اشکال است. این پژوهش در تلاش است تا نقطه نظرات امام خمینی در این مسئله را تبیین کرده و مستندات آن را تشریح کند.

کلیدواژه: هلال ذی الحجة، مناسک حج، وقوف در عرفات، تقیه، امام خمینی.

مقدمه

فرضه حج یکی از ارکان پنج گانه دین، و از مهم ترین فرائض دینی است که فروعاً و مسائل فراوانی دارد.

این واجب الهی، بعد از مُحرم شدن مکلف، با وقوف در سرزمین عرفات در روز نهم ذی الحجة آغاز می شود. حال اگر در رؤیت هلال ماه ذی الحجة اختلاف، و هلال ماه

برای شیعیان زودتر یا دیرتر ثابت شود، در این وضعیت، نسبت به وقوف در عرفات، مشعر و منا و سایر اعمال حج به تبع اهل سنت، پیوسته دو پرسش اساسی مطرح است:

۱. همراهی شیعیان با اهل سنت در وقوفین (وقوف در عرفات و مشعر) و سایر اعمال حج، به لحاظ تکلیفی چه حکمی دارد؟ آیا جایز نیست یا جایز، بلکه واجب است؟

۲. آیا وقوفین و مناسک انجام شده با اهل سنت، صحیح است و کفایت از واقع می‌کند یا صحت ندارد و بایستی حج در سال‌های بعد اعاده شود؟

از آنجایی که بیشتر زائران در طول عمرشان، یکبار و با تحمل زحمات و هزینه‌های فراوان، موفق به انجام حج می‌شوند و از طرفی به حسب قاعده اولیه، با اختلال در وقوف، حج باطل می‌شود و از طرفی دیگر در برخی موارد، امکان مخالفت با عموم حجگزاران وجود ندارد، از این رو دقت نظر در این مسئله ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

یکی از فقهای نامدار شیعه و متعهد به فقه جواهری، بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی است. ایشان از علمای آگاه به زمان بوده و با نگاهی دقیق و ژرف، فروعات فقهی را بررسی کرده‌اند؛ تا جایی که دیدگاه‌های ایشان همواره مورد توجه علما و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و منشأ آثار و برکات زیادی گردیده است. بر این اساس در این پژوهش کوشیده‌ایم تا دیدگاه فقهی امام خمینی در این مسئله را تبیین کنیم.

نسبت به پیشینه این پژوهش، مقاله‌ای با عنوان «اختلاف در هلال ذی‌حجه از جهت حکم حاکم عامه و حکم وقوفین» در مجله میقات حج، چاپ شده که به دیدگاه فقهای امامیه در حکم تکلیفی و وضعی این مسئله پرداخته است. اما در پژوهش پیش رو، بر نقطه نظرات و استنادات امام خمینی تأکید شده است و دیدگاه ایشان در حکم تکلیفی در صورت انتفای تقیه و در شرایط تقیه خوفی و مداراتی، و دلایل صحت حج در شرایط تقیه تبیین شده و افزون بر آن، حکم عمل در صورت مخالفت با تقیه نیز، روشن شده است.

بر این اساس، در ابتدا فتوای امام خمینی آورده می‌شود. ایشان در تحریر الوسیله می‌نویسند: اگر هلال ذی‌الحجه، نزد قاضی اهل سنت ثابت شود و بر طبق آن حکم کند، اما هلال برای شیعیان ثابت نشده باشد، در این صورت اگر عمل بر طبق مذهب حق - بدون پیش آمدن تقیه و ترس - ممکن باشد، واجب است بر طبق مذهب حق عمل شود.

اما اگر عمل بر طبق مذهب حق، ممکن نباشد، تبعیت از آنان واجب می‌باشد (حکم تکلیفی) و حج صحیح است (حکم وضعی). اگر مخالفت با واقع آشکار نشود (یعنی

در صورت شک در ثبوت هلال)، بلکه در فرض علم به مخالفت (یعنی در صورت علم به عدم ثبوت هلال) نیز صحت بعید نیست و در این صورت مخالفت با تقیه جایز نیست؛ بلکه در صحت حج، در صورت مخالفت با تقیه، اشکال و شبهه است.

از آنجایی که اُفق حجاز و نجد با اُفق ما - مخصوصاً اُفق ایران - متفاوت است، بر این اساس علم به مخالفت، مگر در موارد نادر، به وجود نمی آید (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴).

در جای دیگر نسبت به فرض علم به عدم ثبوت هلال، به طور قاطع فرموده اند: «در وقوفین، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت، لازم و مجزی است؛ اگرچه قطع به خلاف داشته باشید (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۲).

در فتوای حضرت امام، چهار نکته آمده که این پژوهش بر اساس تبیین این چهار نکته، سامان یافته و در این مهم، از کتب استدلالی ایشان و سایر فقها کمک گرفته است:

۱. وجوب عدم تبعیت از اهل سنت و عمل بر طبق مذهب حق در صورت انتفای تقیه.
۲. وجوب تبعیت از اهل سنت در صورت تحقق تقیه.
۳. صحت حج و اجزای آن از واقع در فرض شک در ثبوت هلال یا علم به عدم ثبوت هلال.

۴. شبهه در صحت حج، در صورت مخالفت با تقیه و عمل به وظیفه واقعی.

۱. وجوب عدم تبعیت از اهل سنت در صورت انتفای تقیه

فرض اول در مسئله تحریر الوسیله، فرضی است که نه موضوع تقیه خوفی محقق است و نه موضوع تقیه مداراتی و مکلف می تواند آزادانه طبق مذهب حق و به وظیفه واقعی خودش عمل کند؛ مانند قبل از استیلای سعودی ها که شُرْفاً بر مکه حکمرانی می کردند و در بعضی از سال ها شیعیان آزادانه اعمال خود را انجام می دادند. یا مانند فرضی که تولیت حرمین شریفین در دست شیعیان باشد یا فرضی که بین مسلمانان، در ثبوت هلال، اختلاف شود و مسلمانان در دو گروه بزرگ، مناسک حج را انجام دهند و در دو روز در عرفات وقوف کنند.

۱. شُرْفاً یا اشراف به ساداتی اطلاق می شد که از نسل امام حسن علیه السلام بودند و از نیمه دوم قرن چهارم تا تسلط دوم وهابیون بر حجاز (از سال ۳۵۸ تا ۱۳۴۳) امارت حج، به طور موروثی، در دست آنها بود. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به دانشنامه حج و حرمین شریفین، مقاله اشراف حسنی، نویسنده سید محمود سامانی.

در این صورت، فتوای حضرت امام این است که واجب است شیعیان بر طبق مذهب حق و به وظیفه واقعی خود عمل کنند و لزومی ندارد از اهل سنت تبعیت کنند؛ به دلیل وجود مقتضی، یعنی اطلاق ادله‌ای که بر وجوب وقوف در عرفات در روز نهم ذی‌الحجه به عنوان جزئی از اعمال حج و بر جزئیت سایر اجزای حج دلالت می‌کند، و فقد مانع، یعنی نبودن شرائط تقیه خوفی یا مداراتی.

۲. وجوب تبعیت از اهل سنت در صورت تحقق تقیه

فرض دوم، جایی است که شرایط تقیه محقق شده است. در این فرض، امام خمینی به تبع فقهای دیگر، تصریح به وجوب متابعت کرده‌اند (اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۸؛ یزدی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۵۲؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۵۲).

در بین مراجع معاصر نیز آیت‌الله شیرازی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله فاضل، آیت‌الله مکارم، آیت‌الله نوری (افتخاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۴۵۸ - ۴۵۹) به وجوب وقوف با اهل سنت در فرض تقیه تصریح کرده‌اند.

در مسئله محل بحث، گاهی شیعیان در شرائط تقیه خوفی قرار می‌گیرند و گاهی در شرائط تقیه مداراتی. بر این اساس لازم است تا دیدگاه امام خمینی در هر دو فرض تبیین شود:

فرض اول: تقیه خوفی

تقیه خوفی، تقیه‌ای است که موضوع آن خوف متقی (تقیه‌کننده) بر وقوع ضرر یا خطر بر نفس یا مال یا آبروست. گاهی این خوف به حدّ اکراه و اجبار می‌رسد و گاهی نمی‌رسد. پس ملاک تشریح این تقیه، تحقق عنوان «خوف» یا عنوان «اکراه» است.

در مسئله محل بحث، گاهی تقیه خوفی محقق می‌شود؛ یعنی ترک وقوف با اهل سنت و عدم همراهی با آنان در سایر مناسک حج، مستلزم خطر یا ضرر بر خود متقی یا سایر مؤمنین است.

از دیدگاه امام خمینی، وجوب این تقیه، وجوب نفسی نیست و از نوع وجوب غیری است؛ زیرا آنچه واجب است حفظ جان، آبرو یا مال است و تقیه، مقدمه حفظ آنها است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۳۳).

دلیل وجوب تقيه خوفی، که یکی از مصادیق آن مسئله محل بحث است، برخی روایات تقيه است؛ روایاتی که بر اهمیت فوق العاده تقيه تأکید، و بر لزوم متابعت اهل سنت در شرائط تحقق تقيه دلالت می کند.

نزدیک به چهل روایت در این زمینه وارد شده است که از دیدگاه برخی فقها، این روایات، فوق حد تواترند (خویی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۵۲).

برخی فقها، با توجه به این روایات، بر این عقیده اند که اصل اولی در تقيه خوفی از اهل سنت، وجوب است؛ هر چند ضرر کمی بر ترک تقيه مترتب شود (همو، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۵۵). برخی از این روایات به شرح ذیل است:

- صحیحہ معمر بن خلاد: «التقية من ديني و دين آبائي و لا إيمان لمن لا تقيه له».

- صحیحہ أبان: «لا دين لمن لا تقيه له و لا إيمان لمن لا ورع له».

- روایت اعجمی: «إنَّ تسعة أعشار الدين في التقيه و لا دين لمن لا تقيه له».

- مرسله صدوق: «لو قلت إنَّ تارك التقيه كتارك الصلاة لكنت صادقاً» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۰۳-۲۱۴).

سیاق این روایات، به نفی تدین و ایمان از کسی که تقيه نمی کند، بیانگر اهمیت آکید و وجوب تقيه است و از آنجا که متقی فیه (فعلی که در آن تقيه می شود) در آن ذکر نشده، نسبت به آن اطلاق مقامی دارد و فرض مخالفت با تکلیف الزامی را شامل می شود؛ یعنی فرضی که به جهت تقيه، برخلاف وظیفه شرعی الزامی، عمل شود؛ مانند مسئله محل بحث که تکلیف الزامی و قوف در روز نهم ذی الحجه ترک شده و در روز دیگری و قوف به جا آورده می شود.

فرض دوم: تقيه مداراتی

تعریف امام خمینی از تقيه مداراتی این گونه است: «تقيه مداراتی، تقيه ای است که مطلوب در آن یکپارچگی و وحدت کلمه با جلب محبت مخالفین می باشد؛ بدون اینکه مانند تقيه خوفی، خوف ضرری در بین باشد» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۸).

فرض دوم در مسئله این است که موضوع تقيه خوفی، منتفی است؛ یعنی ترک وقوف، مستلزم ضرر یا خطری نمی‌شود. اما موضوع تقيه مداراتی محقق است؛ چراکه وقوف مکلف در عرفات همراه با بقیه شیعیان و تبعیت از اهل سنت در مناسک حج، موجب وحدت و انسجام مسلمانان می‌شود و ترک همراهی با آنان، تفرقه و تشتت جماعت مسلمانان را در پی دارد.

حضرت امام به وجوب این تقيه تصریح کرده و نوشته‌اند:

«جواز این تقيه (تقيه مداراتی)، بلکه وجوب آن، متوقف بر خوف بر نفس یا غیر آن نیست، بلکه مصالح نوعی، سبب وجوب این تقيه نسبت به مخالفین گردیده است. پس این تقيه و کتمان سر، واجب است؛ ولو ایمن باشد و بر نفسش یا غیر آن خوف نداشته باشد» (همان، ص ۷۱).

بنا بر آنچه در عبارت امام خمینی آمده است، «مصالح نوعیه» - یعنی مصالحی مثل وحدت، انسجام و همگرایی بین مسلمانان - سبب وجوب این تقيه شده است. این مصلحت، از مصالح مهم و لزومی نزد شارع شمرده می‌شود و در تزامم با مصلحت موجود در ترک تقيه و انجام مأموریه واقعی، مقدم است و به حکم آن، باید به این تقيه عمل کرد.

بنابراین وجوب این تقيه، دایره مدار این مصلحت، و به حسب موارد، مختلف خواهد بود و گاهی حکم را به حد لزوم می‌رساند؛ مثل مسئله محل بحث که عدم تبعیت شیعیان از اهل سنت، مخلاً اتحاد و انسجام مسلمانان است و عدم شرکت آنان و جدا شدن از سایر مسلمانان در اعمال حج، تبعات منفی و اثرات مخربی در پی دارد.

دلیل دیگر بر وجوب تقيه مداراتی، روایاتی است که در آنها لفظ «تقيه» آمده و در وجوب تقيه خوفی، به این روایات استناد شد؛ چراکه از دیدگاه امام خمینی، عنوان «تقيه» در روایات در معنای اعم به کار رفته است و شامل تقيه مداراتی نیز می‌شود (همان، ص ۴۹). بنابراین می‌توان در استدلال بر وجوب تقيه مداراتی، به این روایات استناد کرد.

۳. صحت حج و اجزای آن از واقع مطلقاً (چه در فرض شک در ثبوت هلال و چه در فرض علم به عدم ثبوت هلال)

بعد از تبیین حکم تکلیفی، حکم وضعی این مسئله مد نظر امام خمینی قرار گرفته است. ایشان، در شرائط تحقق تقیه، مناسک حج انجام شده با اهل سنت را مجزی و محکوم به صحت دانسته‌اند. همچنین از نظر ایشان اجزا به نحو مطلق است؛ چه در ثبوت هلال شک شود یا قاطع به عدم ثبوت هلال باشد.

از دیدگاه امام خمینی، فرض علم به خلاف، نادر است؛ (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۶؛ همو، ۱۳۹۱، ص ۲۶۲). دلیل بر این ادعا، مبنای ایشان در رؤیت هلال است. یکی از مبانی تأثیرگذار در بحث رؤیت هلال، بحث اتحاد یا عدم اتحاد آفاق است. بر مبنای لزوم اتحاد آفاق، اگر هلال در افقی رؤیت شود، برای دیگر آفاق که با آن افق متحدند نیز هلال ثابت می‌شود؛ یعنی در شهرهای نزدیک نیز هلال ثابت می‌شود. ولی برای آفاق غیر متحد، یعنی شهرهای دور، هلال ثابت نمی‌شود. اما بنا بر مبنای عدم لزوم اتحاد آفاق، رؤیت هلال برای سایر نقاط - اعم از متحد الافق و مختلف الافق (شهرهای نزدیک یا دور) - ثابت می‌شود.^۱

امام خمینی، همچون مشهور فقهای امامیه (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۸۱؛ علامه حلی، بی تا، ج ۶، ص ۱۲۲؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۴؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۲؛ یزدی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۳۱)، قائل به مبنای اول - یعنی لزوم اتحاد آفاق هستند و از آنجایی که افق ایران و عربستان مختلف است، پس با ثبوت هلال در ایران، علم به ثبوت هلال در عربستان پیدا نمی‌شود. بر این اساس علم به خلاف را نادر دانسته‌اند.

اما نسبت به بحث صحت حج و اجزای آن از واقع، در کتب استدلالی امام خمینی، دو دلیل بر این فتوا اقامه شده است:

۱. برای تفصیل بیشتر در بحث اتحاد آفاق، به کتاب رویت هلال، نوشته آقای رضا مختاری و محسن صادقی، جلد دوم، مقالات ۲۶، ۲۷، ۲۹ و ۳۰ و جلد پنجم، صفحه ۳۸۳۵ رجوع شود.

دلیل اول: سیره

سیره ائمه اطهار علیهم السلام و اصحاب ایشان بر متابعت و همراهی اهل سنت در وقوف و مناسک حج است. این دلیل، مهم ترین دلیل بر اجزاست و در کلمات فقهای دیگر نیز آمده است (حکیم، ۱۴۱۶، ص ۳۵۳؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۵۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۱۷۷؛ لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۴۱۸).

استدلال به این دلیل در رساله تقیه، کتاب الخلل فی الصلاة و تقریرات کتاب الطهاره حضرت امام منعکس شده است که در قالب سه مقدمه و یک نتیجه، کلمات ایشان در این دلیل را جمع بندی و تبیین می کنیم.

مقدمه اول:

بعد از زمان رسول خدا تا زمان خلافت امیرالمؤمنین و بعد از خلافت حضرت امیر تا زمان غیبت، ائمه اطهار علیهم السلام و شیعیان ایشان در طول بیش از دوست سال، مبتلا به تقیه بودند و در طول این سال های متمادی، در بیشتر سال ها، مناسک حج را همراه امیران منصوب از ناحیه خلفا یا همراه خلفا به جامی آوردند (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۹؛ همو، بی تا (الف)، ص ۵۵۴؛ همو، بی تا (ب)، ص ۹).

مقدمه دوم:

تعیین اول ماه و روز عرفه و امور حج، از جهت زمان وقوف و افاضه، در اختیار خلفا یا منصوبین آنان بوده است؛ چراکه آنان در ظاهر تصمیم گیرنده امور، و حاکم بر مردم بودند و این گونه امور از شؤون سلطنت و امارت آنان بود (همان).

توضیح مقدمه اول و دوم این است که بعد از رحلت پیامبر خدا تا زمان خلافت امیرمؤمنان و بعد از خلافت ایشان تا زمان غیبت صغری، یعنی سال ۲۶۰، بلکه بعد از زمان غیبت صغری، متصدی امارت حج و تعیین هلال ذی الحججه، خلفای اولی یا خلفای اموی یا عباسی یا امیران حج منصوب از طرف خلفا بودند و فقط در زمان حکومت رسول خدا و حکومت پنج ساله امیرالمؤمنین، امارت و تعیین هلال را این دو بزرگوار یا امیرالحاج ایشان انجام می دادند.

مقدمه سوم:

بدون شك در روزهای فراوانی از این سال‌های متمادی، در ثبوت هلال شك می‌شده؛ ولی از ائمه اطهار علیهم‌السلام آنچه بر جواز مخالفت و عدم همراهی دلالت کند، نقل نشده است. از هیچ یک از ائمه اطهار علیهم‌السلام یا یارانشان نقل نشده است که در موسم حج، در ظاهر موافقت، و در باطن مخالفت کنند؛ یعنی از همراهی عامه در وقوفین، تخلف کنند یا اینکه به طور پنهانی به موقوفین بروند؛ چرا که اگر این اتفاق می‌افتاد، یقیناً - به جهت انگیزه زیاد بر نقل این گونه اتفاقات - نقل می‌شد و خبرش به ما می‌رسید.

همچنین نقل نشده که ائمه اطهار علیهم‌السلام، به پیروان خود دستور دهند که حج خود را در سالی که هلال ماه ذی‌الحجه ثابت است، قضا یا اعاده کنند؛ با وجود اینکه ابتلای آنان به حج زیاد بوده است (همان).

مقدمه دیگری نیز به جهت استحکام بخشیدن به استدلال، به این مقدمات ضمیمه می‌شود.

مقدمه چهارم:

در روایات باب حج، جزئیات حج ائمه اطهار علیهم‌السلام، بلکه خواص آن حضرات، نقل شده است و اموری که ابتلای به آنها کم بوده، مورد سؤال و جواب قرار گرفته است؛ مانند سؤال از صید شتر مرغ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۵).

اما نسبت به تعیین هلال ذی‌الحجه و وقوف در عرفات، که از ارکان فریضه حج است، امری مبنی بر مخالفت صادر نشده است؛ در حالی که اگر صادر شده بود به دلیل انگیزه زیاد بر نقل مسئله‌ای با این اهمیت و ابتلا، در بین اصحاب، مشهور می‌شد و به دست ما می‌رسید.

نمونه آن برخی از مسائل اختلافی است که در اهمیت و ابتلا، کمتر از مسئله وقوف در عرفات با اهل سنت است و در عین حال، ائمه اطهار صریحاً در آنها اعلام نظر کرده‌اند یا دستور به موافقت ظاهری و مخالفت باطنی داده‌اند؛ مانند افطار با سلطان و التزام به قضای روزه در روایت رفاعه (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۳۱) یا

عدم تقیه امام علیه السلام در سه چیز در صحیح زراره (همان، ج ۱۶، ص ۲۱۵) یا امر امام علیه السلام به إحرام ظاهری شیعیان از مسلخ، که میقات اهل سنت است، و نیت احرام حقیقی از وادی عتیق (همان، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۱۳).

نتیجه گیری امام خمینی از مقدمات، به صورت عام بوده است. ایشان می نویسند: «عدم دستور ائمه اطهار علیهم السلام به وقوف پنهانی و متابعت از عامه، واضح ترین دلیل بر اجزای عمل تقیه ای و صحت واقعی آن است؛ ولو آن عمل فاقد برخی ارکان باشد و هر چند اختلاف در موضوع باشد. در این مطلب هیچ شبهه ای نیست» (خمینی، بی تا (الف)، ص ۵۵۴؛ همو، ۱۴۲۰، ص ۶۰).

همچنین بعد از تقریب دلیل سیره، دو اشکال مطرح کرده و به آن پاسخ داده است:

اشکال اول:

بنای ائمه اطهار علیهم السلام بر این بوده که به طور پنهانی، وقوف حقیقی را درک می کردند (پس همراهی با عامه در مناسک حج مجزی و صحیح نیست)

جواب اشکال اول:

اگر وقوف پنهانی، ولو یک مرتبه، از ائمه اطهار علیهم السلام صادر می شد یا به شیعیان خود، ولو یک دفعه، امر به وقوف پنهانی می کردند، حتماً برای ما نقل می شد؛ چراکه انگیزه زیادی بر نقل این گونه وقایع می باشد و از کسانی که در عصر کنونی، وقوف را مخفیانه به جا می آورند، به «جهال الشیعه» تعبیر کرده اند (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۶۰؛ همو، بی تا (ب)، ص ۹).

اشکال دوم:

در طول ۲۴۰ سال، اختلاف در اول ماه پیش نیامده و اینکه ائمه اطهار علیهم السلام برای شیعیان، فتوا به عدم إعاده یا قضا نداده اند، شاید به این جهت بوده که حکم فُضات عامه و تعیین اول ماه توسط آنان، مطابق با واقع بوده است.

جواب اشکال دوم:

این اشکال توهمی بیش نیست و خلاف آن بدیهی و ضروری است. چگونه در سال‌های زیادی که به دو بیست سال یا بیش از دو بیست سال می‌رسد این ادعا ممکن است؟! (خمینی، بی تا (الف)، ص ۵۵۴؛ همو، ۱۴۲۰، ص ۶۰).

دلیل وقوع حتمی اختلاف در هلال، این است که اولاً تعیین هلال توسط اهل سنت، برای شیعیان حجت نبوده؛ چرا که عادل در نزد آنان، در نزد ما فاسق شمرده می‌شود؛ ثانیاً آنها در امر تعیین هلال تسامح و بی‌دقتی می‌کردند. در تعلیل تسامح و تساهل آنها این گونه تقریب شده است:

«اهل سنت نسبت به حال شهود و مقدار صدق و عدم خطای شهود و اتفاق آنان در موضع رؤیت هلال و صفات هلال کمأ و کیفأ تحقیق و بررسی نمی‌کردند و گاهی جمع زیادی استهلال می‌کردند، ولی شهادت دو نفر از آنها، با اینکه منفرد در شهادت بودند، پذیرفته می‌شد؛ با وجود صافی آسمان و أفق و توجه همه مستهلین به نقطه‌ای که آن دو شاهد به آن توجه کرده‌اند و نزدیکی همه در قدرت بینایی» (فیاض، بی تا، ص ۴۴۷).

مؤید وقوع اختلاف در هلال، روایت ابی‌الجارود است که در آن آمده: «اناشکنا سنة فی عام من تلك الأعوام فی الأضحی» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۳۳). همچنین در روایات باب صوم، اختلاف در هلال ماه رمضان، مطرح شده است؛ مانند روایت عیسی بن ابی‌منصور که در آن آمده: «كنت عند أبي عبدالله في اليوم الذي يشك فيه» (همان، ص ۱۳۱).

دلیل دوم: روایات تقیه

دلیل دیگر بر اجزای وقوف در عرفات با اهل سنت و صحت مناسک به جا آورده شده با آنان، از نگاه امام خمینی، روایاتی است که بر اجزای عمل تقیه‌ای دلالت می‌کند. ایشان به تبع برخی بزرگان (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۸۸-۹۳؛ همدانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۳۶، ۴۴۵ و ۴۵۴)، برخی روایات باب تقیه را ظاهر در اجزای می‌داند.

در مورد شمول این روایات نسبت به مسئله محل بحث، حتی در فرض علم به

عدم ثبوت هلال، نوشته است:

«مقتضای اطلاق ادله تقیه، اجرای اعمال حجی است که مطابق با تقیه انجام شده است؛ حتی در صورتی که علم به خلاف باشد؛ همانطور که وضو و نماز تقیه‌ای، با وجود علم به اینکه آنها خلاف واقع هستند، صحیح شمرده می‌شود» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۶۳).
حضرت امام، قبل از استدلال به روایات دال بر اجرای عمل تقیه‌ای، محل نزاع در اجزا را بیان کرده و شمول آن نسبت به مسئله وقوف در عرفات با اهل سنت و انجام مناسک حج با آنان را متذکر شده است:

«بحث از اجزا یا عدم اجزا در عمل تقیه‌ای در جایی است که مکلف مصداقی از مأمور به را انجام داده و به دلیل تقیه، در عملش تغییری ایجاد کرده و در آن، جزء یا شرطی را ترک کرده یا مانعی ایجاد کرده است؛ مثلاً نماز را بدون سوره خوانده است یا با لباس نجس خوانده یا تا هنگام غایب شدن خورشید روزه گرفته یا در روز ترویبه (هشتم ذی الحججه) در عرفات وقوف کرده و در شب عرفه در مشعر، وقوف کرده است. اما در جایی که، به دلیل تقیه، اصل مأمور به را ترک کرده، مثل اینکه در روز عید فطر اهل سنت، روزه را ترک کند یا نماز یا حج را ترک کند، در این گونه موارد اجزا معنا ندارد و محل بحث نمی‌باشد» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۱؛ همو، بی تا (الف)، ص ۵۵۴).

در جای دیگر نیز نوشته است:

«حکم به اجزا، در جایی است که اصل عمل را ایجاد کرده است و نهایتاً به لحاظ کیفیت، عملش مخالف با واقع است. اما در جایی که تقیه سبب ترک عمل شود، دلیل بر وجوب عدم وجوب اعاده یا قضا نیست» (همو، بی تا (الف)، ص ۵۵۵).

فقه‌های دیگری نیز این نکته را متذکر شده‌اند (حکیم، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۰۷؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۰۱).

روایات دال بر اجرای عمل تقیه‌ای

بعد از تبیین محل نزاع، به برخی روایات مورد استناد امام خمینی می‌پردازیم. ایشان روایات دال بر اجزا را در سه دسته مطرح کرده است:

دسته اول: روایاتی که بر اجزا در تقیه اضطراری (خوفی) دلالت می‌کند؛ مانند

صحیح‌ه فضلاً:

«التقية في كل شيء يضطر إليه ابن آدم فقد أحله الله له» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۱۴).

تقیه در هر چیزی که انسان به آن مضطر شود، مشروع، و خداوند آن را برای او حلال کرده است.

ایشان در تقریب استدلال به این روایت می‌نویسد:

«عنوان حلال، شامل حلال تکلیفی و وضعی می‌شود و مراد از آن، مطلق رفع منع (چه منع تکلیفی، چه وضعی) از هر چیزی که انسان به آن مضطر شود، می‌باشد؛ مانند آیه شریفه: ﴿حَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ (بقره: ۲۷۵) که ظاهر در عمومیت حلیت می‌باشد و همیشه مورد تمسک علما برای نفوذ بیع بوده است و حلال در عُرف، لغت، کتاب و حدیث اختصاص به حلیت تکلیفی ندارد و شکی در این ظهور نیست؛ خصوصاً با توجه به اینکه در آن زمان‌ها تقیه، منحصر به تقیه از اهل سنت بوده است و موارد ابتلای شیعیان در مواقع تقیه به تکلیفات - مثل نوشیدن نیذ - نادر بوده است، ولی ابتلای آنان به وضعیات در طول شبانه‌روز بسیار بوده است. پس انحصار حلیت در روایت، به حلیت تکلیفی، صحیح نیست» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۶).

دسته دوم: روایاتی که دلالت می‌کند بر اجزا در مواردی که عنوان تقیه‌ای اقتضا می‌کند مأمور به برخلاف حق اتیان شود (روایاتی که موضوع آنها عنوان تقیه است). امام خمینی در این دسته، نه روایت نقل کرده است و از دیدگاه ایشان، این دسته از روایات به لحاظ موارد شمول، از دسته اول روایات، عمومیت بیشتری دارد و از برخی از این روایات، اجزا در تقیه مداراتی نیز استفاده می‌شود (همان، ص ۵۱-۵۶؛ همو، بی تا (الف)، ص ۵۵۰-۵۵۲)؛ یعنی از نظر ایشان، عنوان «تقیه» در روایات در معنای اعم استعمال شده است و شامل تقیه خوفی و مداراتی می‌شود. در ادامه به یک روایت اشاره می‌شود:

صحيحه ابو الصباح:

«ما صنعتم من شيء أو حلفتكم عليه من يمين في تقية فأنتم منه في سعة» (حر عاملی،

۱۴۰۹، ج ۲۳، ص ۲۲۴).

«هر آنچه در حالت تقیه انجام دادید یا بر آن قسم خوردید، شما نسبت به آن توسعه دارید.»

از نظر امام خمینی تعبیر سعه در روایت، دلالت دارد بر اینکه اگر مکلف، به جهت تقیه، در مأموریه زیادی یا نقصان ایجاد کند، نسبت به آن، در سعه است و بر عملش اعاده یا قضا مترتب نمی‌شود؛ چون بطلان عمل و لزوم اعاده یا قضا، در واقع نوعی تضییق (در تنگنا قرار دادن) است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۰).

دسته سوم: روایاتی که بر اجزا در تقیه مداراتی دلالت می‌کند؛ مانند صحیح هاشم کندی:

«سمعت أبا عبدالله يقول: إياكم أن تعملوا عملاً يعيروننا به فإن ولد السوء يعيّر والده بعمله كونوا لمن انقطعتم إليه زينا ولا تكونوا عليه شيئا صلّوا في عشائهم وعودوا مرضاهم و اشهدوا جنائزهم ولا يسبقونكم إلى شيء من الخير فأنتم أولى به منهم والله ما عبد الله بشيء أحب إليه من الخبء، قلت: و ما الخبء؟ قال: التقيّة» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۹).

بر حذر باشید از انجام دادن عملی که ما را به سبب آن سرزنش کنند؛ چرا که پدر به سبب کردار فرزند بدش سرزنش می‌شود. نسبت به کسانی که برای آنها منقطع شده‌اید (یعنی ائمه اطهار علیهم‌السلام) زینت باشید و مایه زشتی بر ما نباشید. در قبائل آنان نماز بخوانید و مریضان آنها را عیادت کنید و در تشییع جنازه آنان حاضر شوید و مبادا از شما در کار خیری سبقت بگیرند؛ شما به انجام کار خیر از آنان سزاوارتر هستید. به خدا قسم پرستیده نشده است خداوند به چیزی بهتر از خبء. گفتم: خبء چیست؟ فرمودند: تقیه.

در این روایت، حضرت بعد از امر به نماز همراه با اهل سنت و عیادت مریضان و حضور در تشییع جنازه آنان، که از مصادیق تقیه مداراتی است، این اعمال را از بهترین عبادات دانسته و بر آن اطلاق تقیه کرده‌اند.

از نظر امام خمینی در این صحیحه، به عمل کردن بر طبق عقیده اهل سنت و نماز خواندن در جمع آنان و موارد دیگر ترغیب شده است و حضور در جمع آنان مستلزم

ترک بعضی از اجزا و شرائط، و انجام برخی موانع می‌شود. همچنین ذیل روایت که حضرت فرموده‌اند «والله ما عبدالله بشيء أحب إليه من الخبء»، برای دفع استبعاد شیعیان است که تصور می‌کنند عمل مخالف واقع، صحیح نیست و حال آنکه حضرت فرموده‌اند: «بلکه این عمل از برترین عبادات است» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۷).

شمول روایات اجزا نسبت به مسئله اختلاف در هلال

حضرت امام بعد از استناد به این روایات، بر شمول آنها نسبت به مسئله محل بحث تصریح می‌کند و می‌نویسند:

«مستفاد از این روایات، صحت عملی است که با تقیه مقرون شده است؛ چه تقیه به جهت اختلاف ما و اهل سنت در حکم باشد، مانند مسح بر چکمه در وضو و یا افطار روزه هنگام غایب شدن خورشید، یا تقیه به جهت اختلاف در ثبوت موضوع خارجی باشد، مثل وقوف در عرفات در روز هشتم ذی‌الحجه به دلیل ثبوت هلال نزد آنان و در حکم به صحت وقوف، ظاهراً بین علم به خلاف و شک در ثبوت هلال فرقی نیست.» (همان، ص ۵۹).

اختلاف با اهل سنت گاهی در احکام است و گاهی در موضوعات. اختلاف در احکام، مانند تقیه در شستن پاها در وضو است، که از نظر اهل سنت مسح پا کفایت نمی‌کند و بایستی پاها شسته شود، یا مانند تقیه در نوشیدن نیذ است، که از نظر اهل سنت حلال است.

اما در حکم مسئله محل بحث و به‌طور کلی مسئله اختلاف در هلال، اختلافی بین شیعه و دیگران نیست و از نظر همه فرقی اسلامی، بایستی روز نهم ذی‌الحجه در عرفات وقوف کرد. بلکه اختلاف در موضوع، یعنی رؤیت هلال ماه، است که برای یک فرقه، زودتر، و برای فرقه دیگر، در روز بعدش ثابت شده است.

ظاهراً مراد حضرت امام از استناد به شمول روایات تقیه، عمومیت برخی روایات مانند روایت اعجمی «التقیة فی کل شیء»، (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۵) و اطلاق برخی روایات نظیر موثقه سماعه «إنَّ التقیةَ واسعة» (همان، ج ۸، ص ۴۰۵) است که شامل اختلاف در موضوعات نیز می‌شود.

سپس ایشان ابتلای ائمه اطهار علیهم السلام به تقیه در طول بیش از دو بیست سال، و انجام مناسک حج با آنان را شاهد بر ترتب اثر تقیه در موضوعات قرار داده است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۷).

پاسخ دیگر از ادعای عدم شمول روایات تقیه نسبت به مسئله محل بحث این است که اثبات اول ماه به واسطه حکم حاکم اهل سنت، در ظاهر تقیه در موضوع است، اما در واقع به تقیه در احکام بر می گردد؛ چرا که در حقیقت، نزاع در حجیت قول دو شاهدی است که نزد حاکم، شهادت داده‌اند و قول آنان نزد طائفه اهل سنت، حجت است و از نظر طائفه شیعه، حجیت ندارد (حکیم، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۲۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۶۲).

یا برگشت به تقیه در احکام دارد؛ چرا که اختلاف در نفوذ حکم حاکم اهل سنت، منجر به اختلاف در حکم و مذهب می شود؛ (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۸۰؛ اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۸) یعنی مخالفت با حاکم آنان، حجت ندانستن حکم حاکم و به منزله مخالفت با او و مشروع ندانستن سلطنت اوست و این از بارزترین مصادیق تقیه در احکام است.

شاهد بر اینکه مخالفت شیعیان و ترک عمل به قول حاکم در ثبوت هلال، قحح و اعتراض به مذهب حاکم را در پی دارد، روایت عیسی بن ابی منصور در باب روزه است که در آن آمده است که امام صادق علیه السلام به دلیل عدم مخالفت با حکم حاکم، روزه خود را افطار کردند:

قال كنت عند أبي عبد الله عليه السلام في اليوم الذي يشك فيه فقال: يا غلام اذهب فانظر أ صام السلطان أم لا؟ فذهب ثم عاد فقال: لا فدعا بالغداء فتغدينا معه (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۳۱).

در روزی که در ثبوت هلال شک بود، نزد امام صادق علیه السلام بودم که حضرت فرمودند: ای غلام برو ببین آیا سلطان روزه است یا نه؟ غلام رفت و برگشت و گفت: نه، سلطان روزه نیست. پس حضرت غذا خواستند و ما به همراه حضرت غذا خوردیم.

۴. شبهه در صحت حج در صورت مخالفت با تقیه و عمل به وظیفه واقعی

نکته چهارم در فتوای حضرت امام این است که اگر مکلف در جایی که تقیه واجب در میان است، تقیه نکند و همراه سایر مسلمانان، وقوفین و سایر اعمال حج را به جا نیاورد و بر طبق عقیده شیعه در ثبوت هلال ماه، وقوفین و سایر اعمال حج را به جا آورد، حکم اعمال وی چیست؟ در این صورت، در عصیان و جوب تقیه و حرمت تکلیفی شکی نیست؛ اما به لحاظ حکم وضعی چگونه است؟ وقوفین و سایر اعمال حجی که به جا آورده صحیح است یا محکوم به بطلان؟

امام خمینی در مسئله مخالفت با تقیه و عمل به وظیفه واقعی، به مقتضای قواعد، قائل به صحت عمل شده است؛ چرا که دلیل بر بطلان عبارت است از اینکه عمل به واقع منهی عنه است و امر به تقیه، مقتضای نهی از ضدش است و از نظر امام خمینی این دلیل، محل اشکال است و تمام نیست (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۳۶).

اما در این مسئله صحت را مشکل دانسته‌اند؛ همان‌طور که فقهای دیگری نیز در این مسئله قائل به عدم صحت عمل غیر تقیه‌ای، و بطلان آن شده‌اند (حکیم، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۰۹؛ خوبی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۵۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۹۳؛ لنگرانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۰۹).

دلیل بطلان عمل غیر تقیه‌ای

از آنجایی که مسئله تقیه و تقیه مداراتی و حفظ وحدت و انسجام مسلمانان در اندیشه امام خمینی اهمیت بالایی داشته است، شاید دلیل بطلان از نظر ایشان، تقریب ذیل باشد: «تقیه، همان‌طور که در فعل است و مقتضای وجوب آن فعل و حرمت ترک آن می‌شود، در ترک نیز جریان دارد و مقتضای وجوب ترک و حرمت انجام آن نیز می‌شود. پس عمل به واقع مخالف تقیه، حرام است و تعبد به آن صحیح نیست» (حکیم، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۱۰).

به بیان دیگر، «عمل مطابق با واقع مکلف، به دلیل اینکه از روی تجرّی است، نه تعبد و اطاعت، سبب تولیدی مخالفت و عصیان و جوب تقیه می‌باشد (بحرانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۱۵).

یعنی خود ادله تقيه، بنفسه بدون اینکه امر به شی، نهی از ضدش را اقتضا کند، علاوه بر اینکه بر وجوب عمل تقيه ای دلالت می کند، بر حرمت عمل مطابق با واقع نیز دلالت می کند و با حرمت عمل، صحت و تعبد به آن معنی ندارد.

دلیل بر این ادعا این است که در روایات و اوامر تقيه، شدت و تأکید فراوانی در عمل به تقيه به کار رفته است، نظیر روایاتی که در تبیین حکم تکلیفی ذکر شد، مانند اینکه کسی که تقيه نکند دین یا ایمان ندارد و تارک آن مانند تارک نماز است و متفاهم عرفی از این تعابیر، علاوه بر وجوب عمل تقيه ای، ممنوعیت ترک تقيه و حرمت عمل غیر تقيه ای است.

نتیجه گیری:

در این پژوهش دیدگاه امام خمینی در مسئله اختلاف در هلال ذی الحجه و عدم ثبوت آن برای شیعیان در موسم حج، تبیین شد. بر این اساس چهار نقطه اساسی در فتوای امام خمینی تبیین و تشریح شد.

۱. به لحاظ حکم تکلیفی، در فرضی که موضوع تقيه خوفی یا مداراتی منتفی باشد و مکلف بتواند آزادانه به وظیفه واقعی خودش عمل کند، فتوای حضرت امام این است که واجب است شیعیان بر طبق مذهب و به وظیفه واقعی خود عمل کنند و لزومی ندارد که از اهل سنت متابعت کنند؛ به دلیل وجود مقتضی و فقه مانع.

۲. در صورتی که شرائط تقيه خوفی، محقق باشد، از نگاه امام خمینی، عمل به تقيه خوفی، وجوب غیری دارد و در مسئله محل بحث، لازم است با اهل سنت در عرفات وقوف کند و سایر اعمال حج را به جا آورد. دلیل بر این حکم، روایات فراوانی است که بر اهمیت فوق العاده تقيه تأکید، و بر لزوم متابعت اهل سنت در شرائط تحقق تقيه خوفی دلالت می کند.

اما در فرض تحقق شرائط تقيه مداراتی نیز از نگاه امام خمینی، متابعت اهل سنت در مناسک حج واجب است. دلیل وجوب این تقيه، مصالحی است که در این تقيه نهفته است؛ نظیر مصلحت وحدت و انسجام مسلمانان. دلیل دیگر بر وجوب این تقيه،

می‌تواند روایات تقیه باشد؛ چراکه از دیدگاه امام خمینی، عنوان «تقیه» در روایات در معنای اعم به کار رفته است و شامل تقیه مداراتی نیز می‌شود.

۳. به لحاظ حکم وضعی، در شرائط تحقق تقیه (چه تقیه خوفی، چه مداراتی)، مناسک حج انجام شده با اهل سنت مجزی، و محکوم به صحت است؛ چه در فرض شک در ثبوت هلال و چه در فرض علم به عدم ثبوت هلال.

مستند ایشان در این فتوا دو دلیل است:

الف) سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام بر متابعت و همراهی اهل سنت در وقوفین و مناسک حج در طول سال‌های متمادی و عدم فتوای آن حضرات به قضا یا اعاده حج؛ با وجود اینکه اختلاف در این سال‌های طولانی به‌طور قطع، محقق شده است.

ب) روایاتی است که به‌طور کلی بر اجرای عمل تقیه‌ای دلالت می‌کند. اعم بودن عنوان حلیت، در حلیت تکلیفی و وضعی، عنوان سعه و توسعه مکلف نسبت به عمل تقیه‌ای از عناوین موجود در این روایات است که بر صحت و اجرای عمل تقیه‌ای دلالت می‌کند. امام خمینی به شمول این روایات نسبت به مسئله محل بحث تصریح کرده است.

۴. نقطه دیگر در فتوای حضرت امام، این است که اگر مکلف در جایی که تقیه واجب در میان است، همراه اهل سنت و وقوفین و سایر اعمال حج را به جا نیاورد، صحت وقوفین و سایر اعمال حج او، محل اشکال است.

منابع

* قرآن کریم

۱. اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ق)، صلاة الجماعة، ۱ جلد، تصحیح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

۲. افتخاری، علی گلپایگانی (۱۴۲۸ق)، آراء المراجع فی الحج، ۲ جلد، تصحیح مقدادی و صدرالدین افتخاری، قم، نشر مشعر، چاپ دوم.

۳. انصاری، ذرفولی، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.

۴. بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقہیہ، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، قم، الہادی، چاپ اول.
۵. بحرانی، محمد سند (۱۴۲۳ق)، سند العروۃ الوثقی - کتاب الحج، ۴ جلد، تقریر سیداحمد الماجد و حسن آل عصفور، مؤسسہ أم القرى للتحقیق و النشر، چاپ اول.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، تحقیق گروه پژوهش مؤسسہ آل البیت (عج)، مؤسسہ آل البیت (عج)، قم، چاپ اول.
۷. حکیم، سیدمحسن طباطبائی (۱۴۰۶ق)، مستمسک العروۃ الوثقی، ۱۴ جلد، قم، مؤسسہ دار التفسیر، چاپ اول.
۸. حکیم، سیدمحسن طباطبائی (۱۴۱۶ق)، دلیل الناسک - تعلیقة و جیزة علی مناسک الحج، ۱ جلد، تصحیح سیدمحمد قاضی طباطبائی، مدرسہ دارالحکمة، چاپ سوم.
۹. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ۴ جلد، قم، مؤسسہ اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، تذکرة الفقهاء، ۱۷ جلد، تصحیح گروه پژوهش مؤسسہ آل البیت (عج)، قم، مؤسسہ آل البیت (عج)، چاپ اول.
۱۱. حوزہ نمایندگی ولی فقیہ در امور حج و زیارت (۱۳۹۲ق)، دانشنامه حج و زیارت، قم، مؤسسہ فرهنگي هنری مشعر.
۱۲. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۷۸ق)، صحیفه امام، ۲۱ جلد، تهران، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۹۱ق)، توضیح المسائل حضرت امام خمینی، چاپ هشتم، قم، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۲۰ق)، الرسائل العشرة، تحقیق گروه پژوهش مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۱۵. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا (الف))، کتاب الطهارة، تقریر محمدفاضل موحدی لنکرانی، قم، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۶. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا ب)) کتاب الخلل فی الصلاة، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
۱۷. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا ج))، تحریر الوسيلة، ۲ جلد، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم خویی (۱۴۱۸ق)، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، تقریر غروی میرزا علی، قم، علمیه، چاپ اول.
۱۹. خویی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ق)، المعتمد فی شرح المناسک، ۳ جلد، تقریر سیدرضا موسوی خلخالی، قم، منشورات مدرسه دار العلم - لطفی، چاپ اول.
۲۰. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
۲۱. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۵ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۲. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. فیاض، محمداسحاق (بی تا) تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج، ۱ جلد، قم، انتشارات محلاتی، چاپ اول.
۲۴. لنکرانی، محمدفاضل موحدی (۱۴۱۸ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الحج، ۵ جلد، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۵. مختاری، رضا و صادقی، محسن (۱۴۲۶ق)، رؤیت هلال، ۵ جلد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۶. همدانی، آقارضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق)، مصباح الفقیه، ۱۴ جلد، تحقیق محمد باقری و دیگران، قم، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.
۲۷. یزدی، سیدمحمد محقق داماد (۱۴۰۱ق)، کتاب الحج، ۳ جلد، تقریر عبدالله جوادی آملی، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
۲۸. یزدی، سیدمحمد کاظم طباطبائی (۱۴۱۷ق)، العروه الوثقی فیما تعم به البلوی، ۶ جلد، با تعلیقات عده ای از فقها، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.